



## شیوه های مواجهه با دروغ و جعل حدیث غالیان

پدیدآورده (ها) : رازی زاده، علی؛ عطایی، رضا  
علوم قرآن و حدیث :: حدیث حوزه :: پاییز و زمستان 1395 - شماره 13 (علمی-ترویجی)  
از 73 تا 92

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1190602>

دانلود شده توسط : موسسه دارالحدیث

تاریخ دانلود : 13/02/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

## شیوه‌های مواجهه با دروغ و جعل حدیث غالیان

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۳ تاریخ تأیید: ۹۵/۱۲/۱۰

علی رازی زاده \*

رضا عطایی \*\*

### چکیده

حدیث، گنجینه ارزش‌مندی است که در فراز و نشیب تاریخ با آسیب‌های گوناگونی مواجه شد؛ آسیب‌هایی که هر یک، زمینه‌ساز شکل‌گیری جریان‌ها و فرقه‌های انحرافی گردید. یکی از این جریان‌ها، غالیان هستند که همچون سایر فرقه‌های برساخته، برای باورپذیر کردن آموزه‌های خود، چاره‌ای جز جعل و وضع حدیث و نسبت دادن آن‌ها به مورد اعتمادترین مردم جامعه مسلمانان، یعنی معصومان علیهم‌السلام نداشتند. نگرانی و خطر این جریان انحرافی سبب شد در آموزه‌های وحیانی و تعالیم اهل بیت اقداماتی علیه آن‌ها صورت بپذیرد. مقاله حاضر تلاش می‌کند ضمن معرفی شیوه پیش‌گیرانه قرآن کریم در مواجهه با دروغ‌پردازان، به تبیین روش‌های مختلف معصومان علیهم‌السلام در مواجهه با این جریان جعل و سپس راه‌کارهایی که اصحاب درست‌کار ایشان نیز برای جلوگیری از گسترش آموزه‌های انحرافی داشتند، بیان کند.

**کلیدواژه‌ها:** دروغ بستن بر پیامبر، غلات، جریان غلو، شیوه‌های مقابله با جعل، وضع احادیث.

\* دانش‌پژوه سطح سه مرکز تخصصی حدیث حوزه (Razizadeh@gmail.com)

\*\* پژوهش‌گر پژوهشکده حدیث حوزه و دانش‌پژوه سطح سه مرکز تخصصی حدیث حوزه (rezaataee49@gmail.com)



حدیث، دومین منبع نورانی اسلام (بعد از قرآن) است که همواره مورد توجه بوده و برای حفظ و نشر آن تلاش‌های فراوانی شده است، اما برخی افراد مانند «غالیان» همواره این میراث گران بها را در معرض انحراف قرار داده‌اند. جریان غلو برای باورپذیری آموزه‌های خود، چاره‌ای جز وضع و جعل حدیث و انتساب آن به معصومان علیهم‌السلام نداشتند. از سوی دیگر، خطر این پدیده موجب شد اهل بیت علیهم‌السلام اهتمام بسیاری برای مواجهه با آن‌ها داشته باشند و علاوه بر هشدارهای پیش‌گیرانه، شیوه‌های گوناگونی را در مقابله با آن‌ها به کار بگیرند. از این رو، مقاله حاضر علاوه بر بیان آیات و روایات پیش‌گیرانه، در صدد تبیین شیوه‌های مبارزه معصومان علیهم‌السلام با جریان غلو و بیان راه‌کارهای اصحاب درست‌کار ایشان برای جلوگیری از گسترش آموزه‌های انحرافی است.

درباره مباحث «جعل» و «غلو» نوشته‌های متعددی به نگارش درآمده است، اما ویژگی نوشته حاضر، نوآوری روشی در تجمیع و ارائه شیوه‌های متعدد مقابله با جعل حدیث غالیان است. یکی از بهره‌های پژوهش حاضر، پاسخ به این پرسش است که چگونه شیعیان موفق شدند از گسترش دروغ‌های نسبت داده شده به مذهب تشیع جلوگیری کنند؟ بدین منظور، این پژوهش با بهره‌گیری از منابع کتاب‌خانه‌ای و تحلیل اطلاعات به دست آمده به صورت توصیفی-تحلیلی، ابتدا شیوه پیش‌گیرانه قرآن کریم و سپس رویکردهای اطهار علیهم‌السلام و اصحاب ایشان را در دو بخش اقدامات پیش‌گیرانه و مبارزه‌ای، بررسی و تبیین می‌کند.

## الف. شیوه‌های پیش‌گیرانه

مسئله «غلو» و غالی‌گری از جمله پدیده‌های منحرفی است که با انگیزه‌های گوناگون، دروغ‌هایی را به خداوند و معصومان علیهم‌السلام نسبت می‌دادند. این امر سبب ایجاد بحران فکری و عقیدتی در جامعه اسلامی می‌شود؛ از این رو، در آموزه‌های وحیانی و تعالیم اهل بیت علیهم‌السلام، علاوه بر شناسایی زمینه‌ها و عوامل، هشدارهایی نیز درباره دروغ‌پردازی در حوزه دین جهت آسیب‌زدایی و ممانعت از گرفتار شدن مردم در این اندیشه انحرافی وجود دارد. در این بخش به اقدامات پیش‌گیرانه‌ای که در اسلام با جریان دروغ‌پردازی صورت گرفته است اشاره می‌شود.

### ۱. پیش‌گیری در قرآن

قرآن کریم، مهم‌ترین منبع در حوزه مطالعات اسلامی، دروغ و افترا به خدا و

۱. ر.ک: پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، «غلو و غالیان عصر حضور در آیین منابع. نسخه متنی»، ش ۶، ص ۱۳۳ تا ۱۵۴.

پیامبر را در ردیف کفر و انکار آیات الهی می‌داند<sup>۱</sup> و در آیات متعددی با الفاظی نظیر «افترأ علی الله» و «كذَّبَ عَلَى اللَّهِ» به این مسئله پرداخته است.

یکی از راه‌های پیش‌گیری دروغ و وضع حدیث، آگاه کردن جامعه از عواقب و آثار سوء معنوی و مادی آن است که قرآن در آیات فراوانی با بیان برخی مصادیق بارز آن، بدان اشاره کرده است؛ برای نمونه، خداوند در آیه ۳۲ سوره زمر می‌فرماید: «فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ»؛ چه کسی ستمکارتر است از آن کسی که بر خدا دروغ ببندد و سخن راست (و وحی الهی) را هنگامی که به سراغ او آمده تکذیب کند؟! آیا در جهنم جایگاهی برای کافران نیست؟

هم چنین در آیات متعددی به این نکته اشاره می‌شود که دروغ بستن به خداوند، از مصادیق «ظلم» و مهم‌ترین عاملی است که زمینه گمراهی را فراهم می‌سازد؛ مانند: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»<sup>۲</sup>؛ چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ بسته، در حالی که دعوت به اسلام می‌شود؟! خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند.

نمونه دیگر از هشدارهای خداوند به جعل پردازان و دروغ‌گوینان، آیه ۱۸ سوره هود است که می‌فرماید: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ»<sup>۳</sup>؛ چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ بسته؟! آنان (روز رستاخیز) بر پروردگارشان عرضه می‌شوند، در حالی که شاهدان (پیامبران و فرشتگان) می‌گویند: «این‌ها همان کسانی هستند که به پروردگارشان دروغ بستند. اینک لعنت خدا بر ستمکاران باد!

هم چنین در آیه «مباهله» نیز خداوند با تعبیر «فَنَجْعَلُ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» عظمت دروغ نسبت به پیامبر را بیان می‌کند.

شاخصه دیگری که قرآن برای پیش‌گیری از این عمل زشت بیان می‌کند، اشاره به جایگاه این افراد است که می‌فرماید: «وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ»<sup>۴</sup>؛ کسانی را که بر خدا دروغ بستند (و تکبر ورزیدند) می‌بینی که صورت‌هایشان سیاه است؛ آیا در جهنم جایگاهی برای متکبران نیست؟!

۱. رک: نحل: ۱۰۵.

۲. صف: ۷.

۳. هود: ۱۸.

۴. زمر: ۶۰.

این آیات در کنار نمونه‌های متعدد دیگر، عظمت نسبتِ دروغ به خداوند و پیامبر را می‌رسانند و کسانی که به چنین عملی اقدام می‌کنند، مرتکب بزرگ‌ترین ظلم می‌شوند و بدترین جایگاه را در روز قیامت خواهند داشت.

برخی روایات<sup>۱</sup>، دروغ بستن بر امامان معصوم علیهم‌السلام را همانند دروغ بستن بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دروغ بستن به ایشان را به مثابه نسبت دروغ دادن به خداوند می‌دانند. بنابراین با توجه به مجموعه آیات و روایات، نسبت دروغ به خداوند و معصومان علیهم‌السلام، هشدار بزرگی است که خداوند برای دوری و پرهیز مسلمانان از ارتکاب به چنین عمل قبیحی بیان فرموده و هشدارهای قرآنی در کنار بیان وضعیت و عاقبت کفار و ستمکاران، این پیام را نیز برای افرادی که ایمان آورده‌اند ارسال می‌کند که در صورت لغزش و سقوط، جایگاه دردناکی در انتظار آن‌ها خواهد بود.

## ۲. پیش‌گیری در احادیث نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تلاش خود را برای جلوگیری از اتفاق چنین مسئله‌ای و شایع شدن آن به کار بستند. ایشان ابتدا با این بیان که کلام ایشان، منشأ وحیانی دارد، مسلمانان را به جایگاه سخنان خود آگاه ساختند و سپس با انداز آن‌ها، زمینه‌های موجود برای شکل‌گیری جریان‌های دروغ‌پرداز را کاهش دادند. برای نمونه ایشان فرمودند: «مرا از حق خود فراتر نبرید، چراکه خداوند پیش از آن‌که مرا به نبوت برگزیند، بنده خود قرار داده بود.»<sup>۲</sup> هم‌چنین حضرت در غدیر خم به اصحاب خود فرمود: «هر کس بر من دروغی بیند، جایگاهش در دوزخ خواهد بود.»<sup>۳</sup> امام صادق علیه‌السلام نیز در روایتی، سخن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را این‌گونه گزارش کرده است: «مَنْ قَالَ عَلَيَّ مَا لَمْ أَقُلْ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ.»<sup>۴</sup>

انذارهای حضرت سبب شده که در زمان خود ایشان و حتی چندین سال پس از رحلتشان، افرادی همچون «زبیر بن عوام» به دلیل واهمه از نسبت دروغ دادن به پیامبر، از نقل حدیث خودداری کنند؛<sup>۵</sup> البته تعدادی نیز با بهانه کردن این سخن، به کتمان برخی سنت‌های به‌جامانده پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و فضایل خاندان ایشان پرداختند!

## ۳. پیش‌گیری در احادیث امامان علیهم‌السلام

پس از پیامبر رحمت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز با استفاده از روش‌های متعدد،

۱. رک: الکافی، ج ۴، ص ۱۸۷؛ قرب الإسناد، ص ۳۵۰.

۲. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۲، ص ۲۰۱.

۳. آمالی (طوسی)، ص ۲۲۷.

۴. «هر کس سخنی را که من نگفته‌ام به من نسبت دهد، جایگاهش در دوزخ خواهد بود»؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۹.

۵. وضع و نقد حدیث، ص ۱۹۴.



علاوه بر برخورد جدی با این پدیده، به دیگران نیز دربارهٔ نسبتِ دروغ به معصومان هشدار می‌دادند.

امام علی علیه السلام در روایتی مشهور، مردم را به اجتناب از منافقانی دعوت کرد که بدون پروا بر پیامبر صلی الله علیه و آله دروغ می‌بستند.<sup>۱</sup> هم‌چنین سایر ائمه اطهار علیهم السلام نیز رذیلهٔ دروغ بستن بر پیامبر صلی الله علیه و آله را به گونه‌ای بزرگ جلوه می‌دادند که مسلمانان جرئت انجام چنین کاری را پیدا نکنند. در یکی از این موارد، امام صادق علیه السلام با صدور حکمی مبنی بر حرمت تکلیفی این گناه بزرگ، فرمود: «هر کس که بر خدا و رسول او عمداً نسبتِ دروغی دهد، روزه‌اش در حالی که روزه باشد، باطل است.»<sup>۲</sup> ایشان سپس به تبیین جایگاه کلام امامان علیهم السلام پرداختند و آن را همان کلام پیامبر صلی الله علیه و آله دانستند و این هشدار را در سطح عمومی جامعه ترویج کردند که دروغ بستن به خاندان نبوت علیهم السلام همان دروغ بستن به شخص پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ برای نمونه، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «بر ما دروغ نبندید. همانا کسانی که چیزی را به دروغ به ما نسبت دهند، گویی به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت دروغ داده‌اند و کسی که به ایشان نسبت دروغ دهد، به خداوند نسبت دروغ داده است و هر کس به خدا نسبت دروغ دهد، خداوند او را عذاب می‌کند.»<sup>۳</sup>

هشدارهای معصومان علیهم السلام تأثیر مثبتی بر فضای جامعه گذاشت و قاطبهٔ مسلمانان ضمن پرهیز از نسبتِ دروغ دادن به ایشان، از مرتکبان به این عمل، دوری می‌جستند؛ البته هم‌چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود، برخی منافقان با درهم آمیختن حق و باطل، به دروغ‌گویی می‌پرداختند<sup>۴</sup> و از خوش‌باوری برخی مسلمانان سوءاستفاده کرده، زمینه‌های گمراهی و انحراف را فراهم می‌آوردند.

با وجود این، ائمه اطهار علیهم السلام تنها به اقدامات پیش‌گیرانه اکتفا نکردند و به مبارزهٔ جدی با جریان‌های انحرافی، به‌ویژه روشنگری و تبیین ماهیت و اهداف دروغ‌گویان پرداختند و تلاش کردند مردم را از گرفتاری در این گناه عظیم نجات دهند. معصومان علیهم السلام علاوه بر اقدامات پیش‌گیرانه، مبارزاتی نیز با این جریان انحرافی داشتند که در بخش بعدی به آن پرداخته می‌شود.

## ب. شیوه‌های مقابله

هرچند شیوه‌های پیش‌گیرانه به منظور هشدار دربارهٔ نسبتِ دروغ دادن به اهل بیت علیهم السلام کمک شایانی به جلوگیری از ترویج دروغ‌های عمدتاً ناخواسته

۱. شرح نهج البلاغه (ابن‌ابی‌الحدیقه)، ج ۱۱، ص ۳۹۳۸.

۲. النوادر، ص ۲۴.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۱۸۷.

۴. رک: شرح نهج البلاغه (ابن‌ابی‌الحدیقه)، ج ۱۱، ص ۳۹۳۸.



داشت، اما این شیوه روی کسانی که از ابتدا اعتقاد صحیحی نداشتند و یا به انحراف کشیده شده بودند، تأثیری نداشت. غالیان برای رسیدن به مقاصد خود، به هر شیوه‌ای تمسک می‌کردند و ابایی هم نداشتند که در این راه به خدا و اولیای او نسبت دروغی ببندند. بدین جهت در مرحله بعد، راه‌کار مبارزه علنی و آشکار با عقاید و باورها و هم‌چنین شخصیت‌های مهم آن‌ها توسط اهل بیت علیهم‌السلام و اصحاب صورت گرفت.

از این رو می‌توان جریانی را که آشکارا با بدعت‌ها و انحراف‌های رواج‌یافته به مبارزه پرداخت، به دو بخش تقسیم کرد؛ بخش نخست مبارزه را معصومان علیهم‌السلام آغاز کردند که هم‌گام با گسترده‌تر شدن جنبه‌های انحرافی این جریان، ابعاد این مبارزه نیز گسترده‌تر می‌شد، و بخش دوم مبارزه را اصحاب ایشان ادامه دادند که بعدها دامنه وسیعی یافت و به کمک مبارزه سران مذهب، موفق به حفظ میراث حدیثی شیعه از آلودگی برآمده از این انحرافات گردید. بدین سبب، در ادامه شیوه‌های مبارزه معصومان علیهم‌السلام، یاران ایشان و پیامدهای این مبارزه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۱. مقابله اهل بیت علیهم‌السلام

پس از تبیین بزرگی گناه دروغ بستن به خدا و معصومان علیهم‌السلام، در مرحله بعد ائمه هرچه در توان داشتند، صرف مبارزه با این جریانات کرده و مردم را با اهداف آن‌ها مطلع می‌ساختند و آگاهانه مبارزه را به صورت چندوجهی آغاز کردند و در کنار روشنگری مقاصد این فرقه‌ها، راه‌های جای‌گزین برای دریافت معارف الهی منبعت از فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام را به شیعیان خود معرفی کردند.

### ۱-۱. برائت از جریان غلو

یکی از مهم‌ترین اقدامات اهل بیت علیهم‌السلام علیه جریان انحرافی غلو، برائت از آن‌ها و منتسبانشان بود. ایشان هر فرصتی که می‌یافتند، درباره خطرات این جریان روشنگری می‌کردند و ضمن اعلام انزجار از آن‌ها و عقایدشان، شیعیان را به امکان افتادن در دام اعتقادی آن‌ها هشدار می‌دادند. اولین زمره‌های برائت از سوی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مطرح شد. ایشان در تبیین آیاتی از قرآن که به غلو یهود و نصاری درباره حضرت عزیر و عیسی علیهم‌السلام اشاره داشت، به امکان وقوع و شکل‌گیری جریاناتی که به غلو آلوده هستند، هشدار داده، به یاران خویش فرمودند: «بر شما باد دوری از غلو، چراکه پیش از شما افرادی بودند که به دلیل غلو در دینشان، هلاک گردیدند.»<sup>۱</sup> ایشان در فضایی دیگر درباره کسانی که با اهل بیت ایشان به جنگ می‌پردازند و

۱. مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۲۱۵.

کسانی که در دین غلومی کنند، بیان داشت که هیچ بهره‌ای از اسلام نصیب آن‌ها نشده<sup>۱</sup> و شفاعت نیز شامل حال فرد غالی نمی‌شود.<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام نیز به مقابله با این جریان پرداخت و فرمود: «من از کسانی که درباره ما غلو کنند و ما را از حد خود فراتر برند، بیزارم؛ همان‌طور که عیسی بن مریم علیه السلام از نصاری بیزار بود.»<sup>۳</sup>

امام سجاد علیه السلام نیز با تشبیه نسبت غالیان یهود به عزیر علیه السلام و غالیان نصاری به عیسی علیه السلام با نسبت غالیان شیعه به ائمه اطهار علیهم السلام، این جریان انحرافی را از فرهنگ ایشان جدا دانست و فرمود: «گروهی از شیعیان ما، ما را چنان دوست می‌دارند که یهود و نصاری عزیر و عیسی را دوست می‌داشتند، اما نه آن‌ها از ما هستند و نه ما از آن‌ها هستیم.»<sup>۴</sup>

امام صادق علیه السلام که یکی از فعال‌ترین امامان در مبارزه با این جریان انحرافی بود، ضمن اعلام براءت از غالیان، آن‌ها را به فسق، کفر و شرک متهم کرد.<sup>۵</sup> و امام علی علیه السلام در تبیین مرزهای غلو فرمود: «بر حذر باشید از غلو درباره ما! بگویید که ما مخلوق و تربیت شده هستیم و سپس در فضیلت ما هرچه خواستید بیان کنید.»<sup>۶</sup> ائمه اطهار علیهم السلام تلاش می‌کردند با مرزبندی میان شیعیان و این جریان انحرافی، فاصله خود و پیروانشان را با آن‌ها حفظ کنند، اما گسترش جریان غلو و فراوانی نسبت‌های دروغی که به ایشان می‌دادند، سبب گشت که لحن ائمه اطهار علیهم السلام در رد اعتقادات انحرافی این جریان، تندتر شود؛ به طوری که امام صادق علیه السلام در سخنی، افراد منتسب به این جریان را حتی از یهودی، نصرانی و مجوسی بدتر معرفی کرد<sup>۷</sup> و پذیرش توبه آن‌ها را به سبب عادت به ترک فرایض، غیر قابل پذیرش دانست.<sup>۸</sup>

## ۲-۱. براءت از سران غلو

ائمه اطهار علیهم السلام همیشه سران جریان انحرافی غلو را که از به انحراف کشیدن افراد جامعه مسلمانان، منفعت شخصی می‌بردند و به جاه، مال و مقام می‌رسیدند، مورد شماتت، لعن و نفرین قرار می‌دادند؛ برای مثال، امام صادق علیه السلام در تفسیر

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۰۸.

۲. عین اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۰۱.

۳. همان.

۴. رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)، ص ۱۲۰.

۵. رک: همان، ص ۳۰۱.

۶. الخصاص، ج ۲، ص ۶۱۴.

۷. الأمان من أخطار الأسفار والأزمان، ص ۷۲.

۸. أمالی (طوسی)، ص ۶۵۰.



آیه مبارکه «هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ \* تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ»<sup>۱</sup>، نام این افراد را چنین ذکر می‌کند: «آن‌ها هفت نفر هستند: مغیره بن سعید، بنان، صائد النهدي، الحارث الشامي، عبدالله بن الحارث، حمزة بن عمارة البربري و ابوالخطاب»<sup>۲</sup>.

هر کدام از ائمه اطهار علیهم‌السلام بسته به اقتضای زمان خویش، به معرفی افرادی می‌پرداختند که در این بستر انحرافی جایگاهی می‌یافتند تا مردم و جامعه مسلمانان آن‌ها را بشناسند و از آن‌ها دوری بجویند. در همین زمینه، امام صادق علیه‌السلام که پرچم‌دار مبارزه با غالیان و جریان غلو بود، درباره «ابوالخطاب» که خود را پیامبری از جانب ایشان معرفی کرده بود، فرمود: «لعنت خدا، ملائک و تمامی مردم بر ابوالخطاب! به خدا شهادت می‌دهم که او کافر، فاسق و مشرک است و با فرعون در روز و شب و در شدیدترین عذاب‌ها محشور می‌شود»<sup>۳</sup>.

هم‌چنین ایشان در جای دیگر و نسبت به یکی دیگر از سران غلو به نام «بشار الشعیری» فرمودند: «از نزد من برو که خدا تو را لعنت کند! به خدا قسم، سقف هیچ خانه‌ای بر سر من و توسایه نخواهد افکند!»<sup>۴</sup> امام صادق علیه‌السلام درباره «مغیره بن سعید» که سبب گمراهی عده زیادی شده بود و روایات بسیاری را جعل کرده، به ائمه اطهار علیهم‌السلام به ویژه امام باقر علیه‌السلام نسبت می‌داد، فرمود: «خداوند مغیره بن سعید را لعنت کند!... همانا مغیره بر پدرم دروغ می‌بست؛ به همین دلیل خداوند ایمانش را از او گرفت، و همانا گروهی نیز به من نسبت دروغ داده‌اند که خداوند داغی شمشیر را بر آن‌ها بچشانند!»<sup>۵</sup>

امام کاظم علیه‌السلام نیز که به نحو دیگری درگیر این جریان انحرافی شده بود، درباره «محمد بن بشیر» که ایشان را خدا می‌دانست، فرمود: «خدا محمد بن بشیر را لعنت کند و حرارت آهن را به او بچشانند! او به من نسبت دروغ می‌دهد. خدا از او بیزار است و من نیز از او به خدا بیزاری می‌جویم؛ خداوند! من از آنچه ابن بشیر به من نسبت می‌دهد، بیزارم»<sup>۶</sup>.

هم‌چنین امام رضا علیه‌السلام «محمد بن فرات» را به دلیل دروغ‌گویی و نسبت آن به ایشان، مورد لعن و نفرین قرار داد.<sup>۷</sup>

۱. شعراء: ۲۲۲، ۲۲۱.

۲. رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)، ص ۳۰۲.

۳. همان، ص ۲۵۹.

۴. همان، ص ۳۰۷.

۵. همان، ص ۲۲۵.

۶. همان، ص ۴۸۳.

۷. همان، ص ۵۵۴.

امام جواد علیه السلام دربارهٔ «ابوالسمه‌ری» و «ابن ابی الزرقاء» که به نام ایشان، آموزه‌های ابوالخطاب را میان مردم منتشر می‌کردند و از این راه برای خود موقعیتی دست و پا کرده بودند، می‌فرماید: «خدا ابوالسمه‌ری را که نسبتِ دروغ به ما می‌دهد، لعنت کند! او و ابن ابی الزرقاء گمان می‌کنند مردم را به سوی ما دعوت می‌کنند؛ من شهادت می‌دهم که من از این دو به سوی خداوند بی‌زاری می‌جویم. همانا این دو، فتنه‌گرو ملعون هستند.»<sup>۱</sup>

امام حسن عسکری علیه السلام نیز دربارهٔ «محمد بن نصیر الفهری» و «ابن بابای قمی» که او مدعی نبوت از جانب ایشان بود، فرمود: «لعنت خدا بر این دو باد! این دو فتنه‌گرموژی، به نام ما مردم را چپاول می‌کنند.»<sup>۲</sup>

شیوهٔ مبارزه ائمه اطهار علیهم السلام در ردّ سران غلو نشان می‌دهد که ایشان بی‌پروا و بدون در نظر گرفتن شرایط تقیه، به تکفیر و تفسیق این منحرفان منحرف‌کننده می‌پرداختند و تلاش می‌کردند با معرفی اهداف آن‌ها، هرگونه ارتباط میان این جریان و مکتب اهل بیت علیهم السلام را نفی کرده، مردم را از خطراتی که این گروه می‌توانست بر جامعهٔ مسلمانان ایجاد کند، آگاه سازند.

### ۳-۱. فرمان به فاصله‌گیری

معصومان علیهم السلام در مبارزه با جریان غلو که باعث انحراف برخی شیعیان و بدنامی شیعه نزد سایر مذاهب اسلامی شده بود، تنها به مبارزهٔ فکری-عقیدتی و تکفیر سران این جریان اکتفا نکردند و پیروان خویش را به فاصله گرفتن از هر کسی که به نحوی با این جریان در ارتباط بود، امر کردند. برای نمونه، امام صادق علیه السلام فرمود: «مراقب جوانان خود باشید که غالیان آن‌ها را فاسد نکنند. همانا آن‌ها بدترین مخلوقات خدا هستند؛ عظمت خدا را کوچک شمرده‌اند و برای بندگان خدا ادعای ربوبیت می‌کنند!»<sup>۳</sup> هم‌چنین ایشان پس از آن‌که به اصحاب خود دربارهٔ خطر ابوالخطاب و سایر غالیان هشدار داد، فرمود: «با آن‌ها نشست و برخاست نکنید، با آن‌ها آب و غذا نیاشامید، با آن‌ها دوستی برقرار نکنید و به آن‌ها ارث ندهید.»<sup>۴</sup> امام صادق علیه السلام دربارهٔ عواقب تخلف از این امر، به برخی پیروانش فرمود: «کمترین چیزی که موجب خارج شدن فرد از ایمان می‌شود، مجالست با غالیان، شنیدن کلام آن‌ها و تصدیق آن‌هاست.»<sup>۵</sup>

۱. رجال (علامه حلی)، ص ۲۶۸.

۲. رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)، ص ۵۲۰.

۳. أمالی (طوسی)، ص ۶۵۰.

۴. رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)، ص ۲۹۷.

۵. صفات الشیعة، ص ۷۲.



امام رضا علیه السلام نیز به ضرورت حفظ فاصله شیعیان از این جریان هشدار می‌داد و می‌فرمود: «غالیان کافرو مفوضه مشرک هستند؛ هر کس که با آن‌ها نشست و برخاست داشته باشد، یا با آن‌ها بخورد و بیاشامد، یا با آن‌ها دوست شود، یا با آن‌ها ازدواج کند و یا درخواست ازدواجشان را بپذیرد، یا به آن‌ها ایمنی بخشد و یا برای امانتی آن‌ها را امین قرار دهد، یا سخنان آن‌ها را تصدیق کند و یا به کمترین حرفی کمکشان نماید، از ولایت خدای بزرگ، رسول او و اهل بیت ایشان علیهم السلام خارج شده است.»<sup>۱</sup>

با بررسی اوامر صادر شده از ائمه اطهار علیهم السلام در این موضوع، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که ایشان از طرح چنین مسائلی، دو هدف را دنبال می‌کردند: نخست آن‌که، این پیام را به جامعه مسلمانان ارسال کنند که شیعیان و پیروان مذهب اهل بیت علیهم السلام هیچ نسبتی با این جریان انحرافی که دارای عقایدی شرک‌آلود و کفرآمیز است، ندارند؛ و دوم این‌که، نباید ادعاهای دروغ‌گویان در انتساب خود به خاندان نبوت علیهم السلام جدی پنداشته شده، ادعاهای آن‌ها را بر عهده ایشان بگذارند.

#### ۴-۱. تبیین صفات شیعه

راه‌کار دیگر معصومان علیهم السلام در مبارزه با جریان انحرافی غلو، معرفی ویژگی‌های شیعیان و پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام است. این راه‌کار به گونه‌ای بود که از همان ابتدا مورد توجه ائمه اطهار علیهم السلام قرار داشت. برای نمونه، امام علی علیه السلام در پاسخ به سؤالی که نشانه‌های شیعیان را مورد پرسش قرار داده بود، فرمود: «بر اثر شب زنده‌داری زرد چهره‌اند، از گریه چشم‌هایشان گود افتاده، از قیام پشتشان خمیده، از روزه شکمشان تورفته، از دعا لب‌هایشان خشک شده و گرد خشوع بر آن‌ها پاشیده شده است.»<sup>۲</sup>

هرچند ائمه‌ای که تا پیش از گسترش جریان غلو زندگی می‌کردند، به تبیین ویژگی‌های مؤمن پرداخته بودند، اما با افزایش تعداد غالیان، وظیفه تبیین دقیق مرزهای شیعی به عهده ائمه متأخر علیهم السلام قرار گرفت و آن‌ها نیز با بهترین شیوه به توصیف ویژگی‌های شیعیان پرداختند. برای نمونه، امام کاظم علیه السلام در تبیین ویژگی‌های شیعه، آن را تبعیت از امام معصوم ذکر می‌کند.<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام نیز به ارائه معیاری برای شناخت شیعیان می‌پردازد و به اصحاب خود می‌فرماید: «شیعیان ما را به چگونگی مراقبتشان بر نماز در زمان مخصوص آن بیازمایید و این‌که چگونه اسرار ما را از دشمنان ما حفظ می‌کنند و یا

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۰۳.

۲. الإرشاد، ج ۱، ص ۲۳۷.

۳. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۶۰۲.

چگونه با برادرانشان در اموالشان به مساوات رفتار می‌کنند.<sup>۱</sup> هم چنین امام باقر علیه السلام در حدیثی به بیان ویژگی‌های شیعه برای یکی از اصحاب خود پرداخت و ضمن رد این ادعا که صرف محبت اهل بیت علیهم السلام برای شیعه بودن کفایت می‌کند، دوستی بدون عمل را بی‌فایده دانست و فرمود: «محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند، پرهیزکارترین و عامل‌ترین فرد در اطاعت از اوست... کسی که مطیع خدا باشد، دوست ما و کسی که معصیت‌کار باشد، دشمن ماست، و کسی به ولایت ما نمی‌رسد، مگر با عمل و ورع.»<sup>۲</sup> ایشان در جای دیگر به اصحاب خود امر کردند که این پیام را به شیعیان خود برسانند که تنها با عمل به اوامر الهی است که می‌توانند به رضایت الهی و آنچه نزد او قرار گرفته، دست یابند.<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام نیز در روایتی، یکی از علامات شیعه را «عدم مجالست با غالیان» ذکر کرده<sup>۴</sup>، به جماعتی از شیعیانی که به خدمت ایشان رسیده بودند، فرمود: «به گونه‌ای باشید و رفتار کنید که زینت ما باشید، نه آن‌که باعث بدنامی ما شوید. با مردم نیکو سخن بگویید و زبانتان را از کلام ناپسند و قبیح حفظ کنید.»<sup>۵</sup> این روایت‌ها که همگی بر عبادت و اهل طاعت بودن شیعیان دلالت دارند، به روشنی با برخی آموزه‌های غالیان، به ویژه شریعت‌گریزی، پرهیز از فرایض و عدم اطاعت از امامی که او را تا حد خدایی بالا می‌برند، در تنافی است و به خوبی مسیر پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام با آن‌ها را نمایان می‌سازد.

#### ۵-۱. معرفی اصحاب قابل اعتماد

یکی دیگر از راه‌کارهای معصومان علیهم السلام در مبارزه با جریان انحرافی غلو، معرفی اصحاب و راویان قابل اعتماد است. ائمه اطهار علیهم السلام در کنار اعلام برائت از سران غلو، اقدام به معرفی افرادی کردند که شیعیان می‌توانستند به راحتی و در کمال اعتماد و اطمینان، آموزه‌های دینی را از آن‌ها دریافت کنند. برای نمونه، امام صادق علیه السلام درباره برخی از اصحاب خود و پدرشان می‌فرماید: «کسی یاد ما و احادیث پدرم را زنده نگه نداشت مگر زرارة بن اعین، ابوبصیر مرادی، محمد بن مسلم و برید بن معاویه عجللی، و اگر این‌ها نبودند کسی نبود که روایت‌های پدرم را استنباط کند. آن‌ها حفظ‌کننده دین و امنای پدرم بر حلال و حرام بودند و آن‌ها کسانی هستند که در دنیا و آخرت به سوی ما می‌شتابند.»<sup>۶</sup>

۱. قرب الإسناد، ص ۷۸.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۷۵۷۴.

۳. همان، ص ۳۰۰.

۴. مشکاة الأنوار، ص ۶۲۶۱.

۵. أمالی (صدوق)، ص ۴۰۰.

۶. الإختصاص، ص ۶۶.



هم چنین امام باقر علیه السلام نیز به این چهار نفر بشارت بهشت داد.<sup>۱</sup> و امام صادق علیه السلام در بیانی اختصاصی «زراره» را فردی خطاب می‌کند که زمینه حفظ احادیث امام باقر علیه السلام را فراهم کرد.<sup>۲</sup>

این راویان که بعدها به «اصحاب اجماع» معروف شدند و زمینه‌های شکل‌گیری سازمان وکالت را با تربیت شاگردان درست‌کار پدید آوردند، همگی از سوی ائمه اطهار علیهم السلام مورد تفقد و توثیق قرار گرفتند.

امام کاظم علیه السلام نیز در روایتی به ذکر حواریون معصومان علیهم السلام پرداخت. ایشان حواریون پیامبر صلی الله علیه و آله را «سلمان، مقداد و ابوذر»، حواریون امام علی علیه السلام را «عمرو بن حَمِقْ خُزاعی، محمد بن ابی بکر، میثم تمار و اویس قرنی»، حواریون امام حسن علیه السلام را «سفیان بن ابی لیلی همدانی و حذیفه بن اُسَید غفاری»، حواریون امام حسین علیه السلام را «شهدای کربلا»، حواریون امام سجاد علیه السلام «جبیر بن مُطعم، یحی بن ام الطویل، ابو خالد کابلی و سعید بن مسیب» و حواریون امام باقر و امام صادق علیهم السلام را «عبدالله بن شریک عامری، زراره، حمران بن أعین، برید بن معاویه، محمد بن مسلم، ابوبصیر، عبدالله بن اَبی‌یعفور، عامر بن عبدالله بن جُداعة و حُجربن زائده» نام بردند.<sup>۳</sup>

معرفی افراد قابل اعتماد برای اخذ آموزه‌های دینی، دو ثمره داشت؛ نخست آن‌که، شیعیان می‌توانستند در زمان‌هایی که امکان دسترسی به ائمه اطهار علیهم السلام را نداشتند، به آن‌ها مراجعه کنند و معارف دینی خود را از آن‌ها کسب نمایند. و دوم آن‌که زمینه‌های لازم برای سوءاستفاده افراد از نام اهل بیت علیهم السلام را کمتر می‌کرد، به طوری که اگر کسی به ایشان ادعایی منتسب می‌کرد، بلافاصله با واکنش جامعه شیعه، به‌ویژه افرادی که در میان مردم به صحت اعتقاد و مورد اعتماد بودن ائمه اطهار علیهم السلام شهرت داشتند، مواجه می‌شد. شاید به همین دلیل بود که یکی از راه‌های شناخت سران غلو، نفرت آن‌ها از اصحاب مورد اعتماد معصومان علیهم السلام بود؛ به طوری که «جمیل بن دراج» پس از گفت‌وگویی که درباره رابطه راویان بزرگ شیعه و ابوالخطاب با امام صادق علیه السلام داشت، چنین نقل می‌کند: «و ما یازان ابوالخطاب را به بغضی که از آن‌ها {برید عجلی، زراره، ابوبصیر و محمد بن مسلم} داشتند، می‌شناختیم».<sup>۴</sup>

این شیوه‌های پنج‌گانه، کمک شایانی در کاهش تأثیرات این جریان انحرافی

۱. الرجال (ابن داود)، ص ۳۹۲-۳۹۳.

۲. رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)، ص ۱۳۶.

۳. همان، ص ۱۰۹.

۴. همان، ص ۱۳۷-۱۳۸.

براعتقادات شیعه داشت و زمینه‌های لازم برای انزوای آن‌ها در جامعه اسلامی را فراهم کرد.

## ۲. مقابلهٔ اصحاب

اصحاب و راویان ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز پا به پای ایشان به تلاش برای مقابله با جریان غلو پرداختند. آن‌ها که ائمه معصومان علیهم‌السلام در حفظ حلال و حرام الهی بودند، با تشویق ایشان هیچ فرصتی را برای روشننگری و تبیین مقاصد اصلی این حرکت انحرافی از دست نمی‌دادند، به طوری که کتاب‌های متعددی در این باره به نگارش درآوردند. برای نمونه، می‌توان به کتاب الرد علی الغالیة اثر حسن بن علی فضال و حسین بن سعید اهوازی، کتاب الرد علی الغالیة المحمدیة اثر فضل بن شاذان نیشابوری، کتاب الرد علی الغالیة و ابوالخطاب و أصحابه اثر ابراهیم بن ابی حفص و کتاب الرد علی الغلاة اثر علی بن مهزیار اهوازی و محمد بن اورمه اشاره کرد. غیر از نگارش کتاب، اصحاب شیوه‌های دیگری نیز برای مبارزه به کار بستند که در ادامه برخی از آن‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد.

### ۲.۱. دریافت آموزه‌ها از راه‌های قابل اعتماد

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های اصحاب برای در امان ماندن از انحرافات جریان غلو، مراجعهٔ مستقیم به امامان معصوم علیهم‌السلام برای دریافت آموزه‌های دینی از ایشان بود، چراکه در این شیوه، هرگونه احتمال لغزش و افتادن در دام جریان‌های انحرافی از میان می‌رفت و اعتماد حداکثری از مطالب دریافتی به دست می‌آمد؛ اما از آن جایی که این شیوه برای همگان ممکن نبود و خیل عظیمی از جامعهٔ شیعه و دوست‌دار اهل بیت علیهم‌السلام به ایشان دسترسی نداشتند، با تدبیر ایشان مراجعه به اصحاب و یاوران نزدیک به جای خود معصوم، کم‌کم جای خود را باز کرد، تا جایی که مردم برای دریافت پاسخ به سؤالات دینی و رفع حوایج معنوی خود به ایشان رجوع می‌کردند. برای نمونه، امام صادق علیه‌السلام در پاسخ به درخواست یکی از اصحاب برای معرفی فردی که بتوان به او مراجعه کرد و آموزه‌های دینی را در نبود معصوم از او دریافت نمود، فرمود: «چرا به محمد بن مسلم ثقفی مراجعه نمی‌کنید؟ همانا او از شاگردان پدرم است و نزد او از اعتبار برخوردار بود»<sup>۱</sup> یا زمانی که شعیب العقرقوفی از امام صادق علیه‌السلام پرسید: «زمانی که سؤالی برایمان پیش می‌آید، نزد چه کسی برویم؟»، حضرت فرمود: «ابوبصیر»<sup>۲</sup>

در کنار درخواست شیعیان از ائمه اطهار علیهم‌السلام برای معرفی فردی که بتواند

۱. همان، ص ۱۶۱، ۱۶۲.

۲. همان، ص ۱۷۱.

پاسخ‌گوی سؤالات آن‌ها باشد، گاهی ایشان خود نیز شیعیان را جهت مراجعه به برخی یاران خویش دعوت می‌کردند. برای نمونه، امام صادق علیه السلام برای راحت‌تر شدن کار برخی از شیعیان، آن‌ها را به مراجعه به سوی «حارث بن مغیره النصری» دعوت می‌کرد.<sup>۱</sup> هم‌چنین پس از آغاز به کار سازمان وکالت در دوره امام کاظم علیه السلام، چندین گزارش نقل شده است که ایشان هدایا و وجوهات شرعی افرادی که از مناطقی می‌آمدند که ایشان در آن جا وکیل مشخصی داشتند، نمی‌پذیرفت و امر می‌فرمود که تعاملات دینی خود را با آن‌ها انجام دهند.<sup>۲</sup>

## ۲-۲. عرضه احادیث

اخذ معارف و آموزه‌های دینی از معصومان علیهم السلام و نمایندگان مورد تأیید ایشان، شیوه‌ای مناسب برای کاهش امکان لغزش اصحاب در دامن انحراف غالیان بود، اما نمی‌توانست به تنهایی این امکان را از میان بردارد، زیرا سران غلو که آن‌ها نیز همچون عموم شیعیان از دستور ائمه اطهار علیهم السلام در باب دریافت معارف از راویان مورد وثوق آگاهی یافته بودند و می‌دانستند مردم به نقل روایت مستقیم آن‌ها از معصوم واقعی نمی‌نهند، به جعل حدیث و انتساب آن به اصحاب نزدیک ایشان پرداختند و احادیث موضوع خود را از طریق آن‌ها به امام معصوم علیه السلام نسبت دادند؛ به طوری که «مغیره بن سعید» که فردی شناخته شده بود و اصحاب امامیه از او دوری و پرهیز داشتند، از شاگردان ناشناس خود می‌خواست که به نزد اصحاب بروند و کتاب‌هایشان را به منظور استنساخ و گسترش آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام به آن‌ها بسپارند. او سپس آن کتاب‌ها را می‌گرفت و مجعولات خود را در میان روایت‌های که از فیلترهای متعددی گذشته بود، وارد می‌کرد و به آن‌ها بازمی‌گرداند.<sup>۳</sup>

بدیهی است که مقابله با چنین هجمه ناجوانمردانه‌ای تنها با اخذ روایت از معصوم و پرهیز از معاشرت و دریافت حدیث از متهمان به غلو، امکان‌پذیر نبود. این مسئله زمانی شکل بغرنجی به خود گرفت که مغیره ادعا کرد که حجم بسیار زیادی از احادیث مجعول را وارد منابع حدیثی اصحاب کرده است. این اتفاق جدا از آن‌که به این کتاب‌ها ضربه وارد کرد، آسیب مهم و اساسی دیگری نیز به همراه داشت: بی‌اعتمادی اصحاب به کتاب‌های روایی رایج؛ به گونه‌ای که چنان وضعی پیش آمد که زراره بن أعین، این راوی بزرگ، با اظهار شگفتی از برخی احادیثی که نزد شیعه است و به دست او نیز رسیده<sup>۴</sup>، یکی از دیدارهای خود با امام باقر علیه السلام را

۱. همان، ص ۳۳۷.

۲. همان، ص ۳۲۸.

۳. همان، ص ۲۲۵-۲۲۴.

۴. همان، ص ۱۵۷.

چنین گزارش می‌کند: «بر امام باقر علیه السلام وارد شدم و ایشان از کیفیت احادیثی که نزد من بود، پرسش کرد و من پاسخ دادم: همانا از این احادیث نزد من زیاد است و تصمیم دارم آتشی به پا سازم و آن‌ها {احادیث} را بسوزانم.»<sup>۱</sup>

هرچند علامه مجلسی در تبیین این گزارش، این سخن زراره را به حساب عدم ادراک او، به احادیثی حمل می‌کند که فضایی به پیامبران الهی علیهم السلام منتسب می‌کند<sup>۲</sup>، یا حتی می‌توان چنین فرضی را مطرح کرد که زراره که پیش از گرایش به شیعه، عالمی برجسته در فقه اهل تسنن بود، هنوز از حال و هوای روایات و احادیث آن‌ها خارج نشده بود و به همین دلیل چنین چیزی را بیان می‌کند، اما و با این حال نمی‌توان از این نکته چشم‌پوشی کرد که روزگاری وجود داشته که بزرگ‌ترین محدث شیعه در عصر صادقین علیهم السلام، چنین دیدگاهی درباره احادیث شیعه داشته است. هم‌چنین از یونس بن عبدالرحمن که به «سلمان» عصر خویش معروف بود<sup>۳</sup>، نقل شده است که در عراق با تعدادی از کتاب‌های حدیثی که شامل روایات منسوب به امام باقر و امام صادق علیهم السلام بود مواجه شده، آن‌ها را برای عرضه خدمت امام رضا علیه السلام می‌آورد. حضرت نیز پس از مشاهده روایات، تعداد بسیاری از آن‌ها را تکذیب می‌کند و می‌فرماید: «همانا ابوالخطاب . که خدا او را لعنت کند! . به امام صادق علیه السلام نسبت‌های دروغ می‌داد؛ هم‌چنین اصحاب او در احادیث ما دست می‌بردند که هنوز این روایات در کتاب‌های پیروان ما وجود دارد.»<sup>۴</sup>

در این وضعیت، شیعیان تنها اخباری را می‌پذیرفتند و بدان معتقد گشته، عمل می‌کردند که به صورت شخصی از خود معصوم و یا از یکی از نزدیکان مورد وثوق ایشان دریافت می‌کردند. کسانی هم که امکان دسترسی به معصوم برایشان میسر نبود، نه تمایل داشتند که به آنچه از معصوم در دستانشان قرار گرفته بود، تمسک کنند و نه می‌پسندیدند که از آنچه نزد عامه قرار داشت، بهره ببرند. با این حال، این حربه که می‌رفت دست آورد عظیم نسل طلایی راویان صادقین علیهم السلام را به مخاطره انداخته، تمامی زحمات ایشان را در گردآوری میراث حدیثی ارزشمند شیعه به باد فنا دهد، با ابتکار عمل ائمه اطهار علیهم السلام و اصحاب ایشان به شکست انجامید.

در چنین شرایطی بود که امامان علیهم السلام فراخوان عرضه حدیث سردادند و با عرضه احادیث به ایشان توسط اصحاب، بار دیگر اعتماد به منابع حدیثی بازگشت و داد

۱. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۲.

۲. رک: بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۸۲.

۳. رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)، ص ۲۰۳.

۴. همان، ص ۲۲۴.



و سند علمی در حوزه حدیثی شیعه رونق گرفت. نمونه‌های توصیه معصومان علیهم‌السلام به اصحاب جهت عرضه احادیث به ایشان بسیار است؛<sup>۱</sup> برای مثال، نقل شده است که امام صادق علیه‌السلام به یکی از یارانشان فرمود آنچه را که ابوالخطاب به ایشان نسبت می‌دهد، برای ایشان بازگو کند و پس از آن که گفتار او درباره خود را شنید، به تکذیب آن پرداخت.<sup>۲</sup> امام حسن عسکری علیه‌السلام نیز پس از آن که کتاب‌های بنی‌فضال به ایشان عرضه شد، فرمود: «آنچه را روایت کرده‌اند، اخذ کنید و نظریات شخصی‌شان را رها کنید.»<sup>۳</sup> البته در این میان، ائمه اطهار علیهم‌السلام چگونگی عرضه حدیث بر قرآن و به صورت کلی معیارهای نقد احادیث را نیز مورد توجه قرار داده، پیروان خود را به تفقه در دین و آنچه از آن در دست دارند، ترغیب می‌کردند.

### ۲-۳. بایکوت راویان متهم به غلو

پیش‌تر اوامر مؤکد ائمه اطهار علیهم‌السلام در زمینه پرهیز اصحاب از غالیان مورد توجه قرار گرفت. این روایات که صرف مجالست با غالیان را برای از دست رفتن ایمان کافی می‌دانستند<sup>۴</sup>، چنان تأثیر عمیقی بر جامعه شیعه نهاد که آن‌ها نه تنها از غلو و غالیان فاصله می‌گرفتند، بلکه ترس از دست رفتن دینشان، چنان واهمه‌ای ایجاد کرده بود که هر کسی را که به ترویج اندیشه‌هایی نزدیک به آموزه‌های آن‌ها می‌دیدند، ترک می‌گفتند. از این رو می‌توان چنین ادعا کرد که از دیگر اقدامات اصحاب ائمه اطهار علیهم‌السلام در مبارزه با جریان انحرافی غلو، بایکوت علمی راویان غالی یا متهم به غلو بود. اصحاب که همگی بر اساس دستور معصومان علیهم‌السلام از غالیان فاصله می‌گرفتند، هیچ‌گونه تعاملی چه از حیث اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و علمی با آن‌ها نداشتند.

ثمره این رویکرد، بعدها و زمانی بیشتر نمایان شد که دسترسی به معصوم از میان رفت و دیگر این امکان وجود نداشت که روایتی به ایشان عرضه شود. در این هنگام، علمای مذهب به بررسی گزارش‌های رسیده درباره توثیق و تضعیف و احوالات راویان حدیث پرداختند و سخت‌گیرانه هر کسی را که اندکی تجاوز از حد در روایات و یا رفتارشان یافتند، متهم به «ارتفاع» کردند و پذیرش روایت او را منوط به سایر قرائن نمودند.

این مواجهه که گاه جنبه افراطی به خود می‌گرفت، سبب شد که نسبت به برخی راویان پرتکرار شیعه، نسبت غلوداده شده، به ضعف متهم شوند، چراکه

۱. رک: علوم حدیث، «عرضه حدیث بر امامان»، ش ۶، صص ۲۹-۵۴.

۲. رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)، ص ۲۹۱، ۲۹۲.

۳. الاستبصار، مشیخه، ص ۳۱۷.

۴. صفات الشیعة، ص ۷۲.

روایات برخی اصحاب به صرف مشابهت با جریان‌های انحرافی و یا عدم ادراک از سوی عموم شیعیان، کنار گذاشته می‌شد و راویان این روایت‌ها نیز به جرم چنین تخلفی، از لیست راویان مورد اعتماد خارج می‌شدند. برای نمونه می‌توان به راویانی نظیر: احمد بن هلال عبرتایی، سالم بن مکرم، سهل بن زیاد آدمی، معلی بن خنیس، داود بن کثیررقی، مفضل بن عمرو و محمد بن سنان اشاره کرد که روایات زیادی از آن‌ها در کتب حدیثی شیعه برجای مانده و برخی اندیشمندان معاصر با بررسی تمامی روایات آن‌ها، حکم به عدم وجود غلو در این روایات داده‌اند.<sup>۱</sup>

یکی از آفات مهمّ چنین برخوردی، رویارویی اصحاب ائمه اطهار علیهم‌السلام با یکدیگر بود که گاهی به تکفیر و تفسیق یکدیگر نیز می‌انجامید؛ برای نمونه، برخی اصحاب به «یونس بن عبدالرحمن» که امام رضا علیه‌السلام از او راضی بود<sup>۲</sup> و برخی اصحاب را به دریافت معارف دینی از او تشویق کرد<sup>۳</sup> و او را سلمان عصر خود نامید<sup>۴</sup> و نگاه‌شده‌های او مورد تأیید ائمه اطهار، به‌ویژه امام جواد و امام حسن عسکری علیهم‌السلام قرار داشت، نسبت‌های ناروا می‌دادند<sup>۵</sup> و گزارش‌هایی از قول امام رضا علیه‌السلام نقل می‌کردند که گویی ایشان او را لعنت کرده است.<sup>۶</sup> هرچند این گزارش‌های مغرضانه که همگی آب‌شخور کلامی داشت، هیچ‌گاه مورد توجه قرار نگرفت و بعدها این شخصیت بزرگ در کنار «صفوان بن یحیی»، از دانشمندترین راویان اصحاب اجماع طبقه سوم به شمار آمد، اما گزارش‌های این چنینی نشان می‌دهد که یکی از آفات جریان افراطی غلو، شکل‌گیری گرایش تفریطی در برخی اصحاب ائمه اطهار علیهم‌السلام به منظور مبارزه با آن‌ها شد.

## نتیجه‌گیری

قرآن کریم درباره‌ی جاعلان و دروغ‌پردازان در حریم الهی و معصومان علیهم‌السلام، هشدار جدّی دارد. هم‌چنین معصومان علیهم‌السلام نیز مقابله‌ی شدیدی با این پدیده داشتند و برخلاف رویکرد تساهل، محورشان در مواجهه با نامالایمات بدخواهان روزگار، این بار هرگونه مسامحه با منتسبان واقعی به این جریان را به مثابه‌ی خارج شدن از دین خدا و از دست دادن ایمان الهی تفسیر کردند. دلایل متعددی بر علت برخورد شدید معصومان علیهم‌السلام با این جریان‌ها وجود دارد.

۱. اصول علم الرجال، ج ۲، ص ۴۲۰.

۲. رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)، ص ۴۸۷.

۳. همان، ص ۴۸۳.

۴. همان، ص ۴۸۸.

۵. همان، ص ۴۸۴.

۶. همان، ص ۴۹۵.

۷. همان، ص ۴۹۲، ۴۹۱.



معصومان علیهم السلام به دلیل نگرانی از این خطر، هرآنچه در توان داشتند برای جلوگیری از گسترش جریان انحرافی و کاهش پیامدهای آن به کار بستند. ایشان ابتدا با انجام رویکردهای پیش‌گیرانه، مؤمنان و دیگر افراد معتقد را از هرگونه دروغ بستن بر خدا، رسول و جانشینان ایشان علیهم السلام بازداشتند. سپس برای برخی افراد که در صدد ضربه زدن به اسلام بودند، اعلام جهاد فکری - عقیدتی سردادند و ضمن باطل دانستن آموزه‌های ترویجی این جریان و رسوا کردن سران آن، از پیروان خویش خواستند که از هرگونه نشست و برخاست و تعامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با آن‌ها سرباز زنند.

هرچند امر به فاصله‌گیری، زمینه‌های لازم برای انزوای این جریان انحرافی را تا حدود زیادی فراهم کرد، اما سران این جریان نیز به فعالیت‌های خود ادامه دادند و در یکی از مهم‌ترین اقدامات آسیب‌زای خود، به جعل و تحریف احادیث خاندان نبوت علیهم السلام پرداختند. همین امر سبب شد تا احادیث مجعول غالیان، خطری برای کتاب‌های حدیثی اصحاب ائمه اطهار علیهم السلام قرار گیرد؛ در نتیجه، عرضه احادیث که تا پیش از آن در گزارش‌های مختصر و روایت‌های معدود خلاصه شده بود، به یک باره قوت گرفت و اصحاب امامان معصوم علیهم السلام کتاب‌های حدیثی را به ایشان عرضه کنند و ائمه نیز به تمیز گذاردن میان احادیث صادر شده و احادیث موضوعه پرداختند و این‌گونه میراث حدیثی شیعه را از خطر آلوده شدن به آموزه‌های انحرافی نجات دادند.

مؤلف: دکتر محمد تقی محمدی



## کتاب نامه

- قرآن کریم.
- اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، محمد بن حسن حر عاملی، بیروت: اعلمی، ۱۴۲۵ق.
- الإختصاص، محمد بن محمد بن نعمان مفید، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
- إختيار معرفة الرجال المعروف برجال الکشی، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: حسن مصطفوی، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
- الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محمد بن محمد بن نعمان مفید، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: حسن الموسوی خرسان، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۹۰ق.
- اصول علم الرجال بین النظریة والتطبیق، مسلم داوری، تحقیق: محمد علی صالح معلم، قم: دار المحبین، ۱۴۲۶ق.
- الأمالی، ابن بابویه محمد بن علی صدوق، تهران: کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶.
- الأمالی، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: مؤسسة البعثة، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
- الأمان من أخطار الأسفار والأزمان، علی بن موسی ابن طاووس، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- البرهان فی تفسیر القرآن، سیدهاشم بن سلیمان بحرانی، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة مؤسسه البعثة، قم: مؤسسه البعثة، ۱۳۷۴.
- تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمیة، ۱۳۸۰ق.
- تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، محمد بن حسن حر عاملی، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
- الرجال ابن داود، حسن بن علی بن داود حلّی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
- رجال العلامة الحلّی، حسن بن یوسف بن مطهر حلّی، تحقیق: محمد صاق بحر العلوم، نجف: دار الذخائر، چاپ دوم، ۱۴۱۱ق.
- شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی الحدید، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیه الله المرعشی، ۱۴۰۴ق.
- صفات الشیعة، ابن بابویه محمد بن علی صدوق، تهران: اعلمی، ۱۳۶۲.
- «عرضه حدیث برامان»، عبدالهادی مسعودی، علوم حدیث، زمستان ۱۳۷۶، شماره ۶.
- عوالمی الثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة، محمد بن زین الدین بن ابی جمهور، تحقیق: مجتبی عراقی، قم: دار السید الشهداء، ۱۴۰۵ق.
- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ابن بابویه محمد بن علی صدوق، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران: جهان، ۱۳۷۸.
- غرر الحکم ودرر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تحقیق: سید مهدی رجائی، قم: دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
- «غلو و غالیان عصر حضور در آیین منابع نسخه متنی»، نعمت الله صفری فروشانی، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، تابستان ۱۳۸۲، شماره ۶.
- قرب الإسناد، عبدالله بن جعفر حمیری، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۳ق.



- **الكافي**، محمد بن يعقوب كليني رازی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- **المحاسن**، احمد بن محمد بن خالد برقی، تحقیق: جلال الدین محدث، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ق.
- **مسند امام احمد حنبل**، احمد بن حنبل، بیروت: دارصادر، بی تا.
- **مشكاة الأنوار فی غرر الأخبار**، علی بن حسن طبرسی، نجف: المكتبة الحيدرية، ۱۳۴۴.
- **من لا یحضره الفقیه**، ابن بابویه محمد بن علی صدوق، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- **النوادر**، احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی، تحقیق: مدرسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم: مدرسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۶۰.
- **وضع و تقد حدیث**، عبدالهادی مسعودی، تهران: سمت، ۱۳۸۸.



پاییز و زمستان ۱۳۹۵  
سال ششم، شماره دوم، پیاپی ۱۳